

قوه قضاییه و اجرای عدالت

آیت‌الله هاشمی شاهرودی رئیس محترم قوه قضاییه در سفر اخیر خود به استان خوزستان در سخنانی فرمودند:

«برنامه‌های گسترده‌ای در برخورد [با] فساد و بی‌عدالتی در دست اجرا داریم و در این راه کارهای شایان توجهی صورت گرفته است و قوه قضاییه در این راه به غوغاسالاری و جنجال‌های به وجود آمده اعتنایی ندارد» (حیات نو ۷۹/۱۲/۳)

اگر منظور جناب آقای شاهرودی از «غوغاسالاری» و «جنجال‌ها» اعتراض‌های قانونی است که در ماه‌های اخیر توسط رئیس محترم جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، احزاب، گروه‌های سیاسی و بسیاری از نویسندگان و صاحب‌نظران نسبت به اقدامات خلاف قانون و عدالت و انصاف قوه قضاییه، علیه صاحبان اندیشه و قلم و شخصیت‌های سیاسی و مطبوعاتی صورت گرفته است، موجب شگفتی و تاسف است. زیرا رئیس قوه قضاییه خود باید الگوی قانونمداری و تقوای الهی باشد و از به کار بردن این گونه الفاظ و تعابیر که جنبه تخطئه و توهین به شهروندان را دارد جداً پرهیز نمایند. این اظهارات نشان می‌دهد که رئیس قوه قضاییه برنامه احضارها، بازداشت‌ها، روند رسیدگی‌ها و محکومیت‌های مدیران مسوول مطبوعات، نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی را مورد تایید قرار می‌دهند و قبول مسوولیت می‌نمایند.

جناب آقای شاهرودی در آغاز کار خود در قوه قضاییه به مردم وعده اجرای برنامه توسعه قضایی و اصلاح ویرانه قوه قضاییه را دادند که به علت نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌های ساری و جاری در آن قوه مورد استقبال مردم قرار گرفت و در کنار برنامه توسعه سیاسی و اصلاحات رئیس‌جمهور محترم ایجاد امید و انتظار نمود. اما برداشت بسیاری از مردم، به خصوص صاحب‌نظران، از عملکرد قوه قضاییه در این مدت کاملاً مایوس کننده بوده است زیرا نه تنها اصلاح محسوسی در این ویرانه صورت نگرفته، بلکه ابعاد بی‌عدالتی آن متأسفانه گسترش نیز یافته است.

معاون قضایی قوه قضاییه در خصوص عملکرد این نهاد اظهار داشته‌اند:

«قوه قضاییه که باید ایدآل و مطلوب از تمام جوانب باشد و آن گونه که مورد رضایت خداست باشد در حال حاضر وجود ندارد.» (حیات نو ۷۹/۱۲/۴)

به علاوه مقام قضایی در دادگاه آقای زیدآبادی می‌گوید:

«منظور رئیس قوه قضاییه از ویرانه بودن دستگاه قضایی نابسامانی وضعیت ساختمان‌ها و تجهیزات این قوه است نه رسیدگی به پرونده‌ها» (حیات نو ۷۹/۱۲/۴)

مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، وظایف اصلی قوه قضاییه «رسیدگی و صدور حکم»، «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» و «تحقق بخشیدن به عدالت» تصریح شده است. لذا استنباط و یا به نوعی تفسیر سخن رئیس قوه قضاییه به ویرانه بودن ساختمان‌ها به جای عملکرد قوه قضاییه جای سوال و ابهام فراوان دارد!

عملکرد جانبدارانه قوه قضاییه و گسترش بی‌عدالتی قضایی در دوران اخیر، مطالبات یکصد سال گذشته مردم در انقلاب مشروطیت یعنی درخواست «عدالتخانه» را مجدداً برای بسیاری از مردم به طور جدی مطرح ساخته است.

عملکرد و روند سیاست‌های قوه قضاییه از جمله در بررسی پرونده قضایی مطبوعات توقیف شده و مدیران مسوول و نویسندگان آن‌ها و بازداشت متهمین سیاسی در بازپرسی و تحقیق در شرایط سخت و طولانی، تشکیل پاره‌ای از محاکم پشت درهای بسته و بدون حضور هیات منصفه نقض اصول مسلم قانون اساسی می‌باشد.

اصول ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۶۸ قانون اساسی از جمله حقوق ملت را در خصوص رسیدگی به جرایم سیاسی مشخص کرده است. بر اساس مفاد این اصول روند احضار، تهییم اتهام، تشکیل پرونده و رسیدگی و صدور حکم مشخص شده است که متأسفانه در خیلی از موارد این اصول کاملاً نادیده گرفته شده است. اصل هشتم قانون اساسی تصریح دارد که اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم در برابر حاکمیت و مسوولان (نقد عملکرد حاکمان) یک حق و تکلیف برای همگان است.

«در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...»

آیا در مورد زندانیان سیاسی اخیر از جمله آقایان مهندس سبحانی، علی افشاری و احمد زیدآبادی و همچنین بازداشت شدگان آقایان هدی صابر از مبارزین با سابقه و عضو هیات تحریریه مجله ایران فردا و رضا علیجانی، نویسنده و سردبیر مجله ایران فردا و خانم فریبا داودی مهاجر خبرنگار که اقدامی جز اظهارنظر و نقد عملکرد حاکمیت یعنی انجام فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر نداشته‌اند، رئیس محترم قوه قضاییه نزد افکار عمومی و نهایتاً در پیشگاه الهی قادر به دفاع از عملکرد همکاران خود هستند؟ آیا دفاع از این نویسندگان و مطالبه حقوق قانونی آنان و نقد عملکرد قوه قضاییه باید به جای پاسخگویی «غوغاسالاری» و «جنجال» خوانده شود؟

رئیس محترم قوه قضاییه علاوه بر تمسک به اجرای قانون، بر حکومت اسلامی نیز همواره تأکید داشته‌اند. آیا در تجربه پیامبر (ص) و دوران حکومت علی (ع) نمونه‌ای می‌تواند ارائه دهند که آن پیشوایان به خاطر اظهارنظر و نقد حاکمان کسی را بازداشت، محاکمه و مجازات کرده باشند؟ در سالی که سال «امام علی» اش نامیده‌اند و همگان به پیروی از آن بزرگوار دعوت می‌شوند شایسته است که رفتار مولای متقیان علی (ع) با مخالفان سیاسی آن دوران الگوی قوه قضاییه باشد.

همه می‌دانند که نگهداری متهمین در سلول انفرادی از یادگارهای سیاه تاریخ قرون وسطی است که ساواک در دوران رژیم استبداد شاهنشاهی نیز آن شیوه‌ها و شکنجه‌های روحی و جسمی را برای

سرکوب مخالفان سیاسی خود به کار می‌بست .

ممکن است برخی از قضات جوان، زندان‌های زمان شاه و مبارزات ضد استبدادی را تجربه نکرده باشند، اما برخی از مقامات مسوول جمهوری اسلامی خاطرات و تجربیاتی از آن شرایط دارند . ملت ما برای نجات از مظالم ساواک انقلاب کرد تا با حفظ حقوق اساسی ملت و احیای ارزش‌های اسلامی، عدالت اجرا شود و زمینه‌های رشد و توسعه جامعه فراهم گردد، آیا این است عدالت اسلامی؟

عملکرد قوه قضاییه و دادگاه‌های متهمین جرایم سیاسی در سال‌های اخیر این شائبه را برای بسیاری از مردم، به ویژه صاحب‌نظران، به وجود آورده است که این قوه نسبت به افراد و گروه‌هایی که در جهت سرکوب روشنفکران دینی و اصحاب اندیشه و قلم و منتقدین قانونی و در راستای برنامه توسعه سیاسی و اصلاحات رئیس جمهور محترم آقای سید محمد خاتمی گام برمی‌دارند به دیده اغماض نگریسته و اقدام قانونی لازم نسبت به پیگیری قضایی آن‌ها انجام نمی‌دهند . اتهامات مطرح شده در دادگاه آقای دکتر زیدآبادی و پاره‌ای دادگاه‌ها که به صورت علنی برگزار شد و مردم از طریق رسانه‌ها در جریان مذاکرات دادگاه‌ها قرار گرفته‌اند، این واقعیت را نشان می‌دهد که مدعی‌العموم نسبت به نقد روشنفکران دینی با حساسیت ویژه‌ای برخورد می‌کند و آن‌ها را در سلول انفرادی یا زندان‌های عمومی با زندانیان عادی نگهداری می‌کند و برای تضعیف روحیه و شکستن اراده، آنان را زیر فشار قرار می‌دهد . اما در مقابل، مطبوعات و افرادی از گروه‌های فشار وابسته به جریان سنت‌گرا، هر چه می‌خواهند می‌نویسند و به طور آشکار مرتکب اشاعه اکاذیب، تهمت و افترا، حتی به مقامات مسوول (نظیر نوشته‌های اخیر هفته‌نامه فیضیه) می‌شوند، اما اغلب مورد رسیدگی و تعقیب واقع نمی‌شوند و در مواردی هم مورد تساهل تشویق‌آمیز قرار می‌گیرند (نظیر پرونده حمله به کوی دانشگاه و ترور آقای سعید حجاریان) که موجب سلب اعتماد بسیاری از مردم نسبت به بی‌طرفی و استقلال قوه قضاییه شده است .

برای نمونه آقای زیدآبادی ۶ ماه است که در بدترین شرایط، بدون آن‌که محاکمه و محکوم شده باشد، زندانی می‌باشد و قاضی در برابر دفاعیات وی رسیدگی را به تعویق می‌اندازد تا به نکات مطرح شده رسیدگی کند . چنین رفتاری نشان می‌دهد که در ذهن و ضمیر قاضی آقای زیدآبادی محکوم است و دادگاه بیشتر حالت تشریفاتی و ظاهرسازی دارد .

برخی از زندانیان، که ظاهراً محاکمه شده و دوران زندان خود را می‌گذرانند، نظیر آقای مهندس سبحانی، از حق ملاقات با اعضای خانواده که از ابتدایی‌ترین حقوق زندانی می‌باشد، محروم بودند و اخیراً که ملاقات ویژه‌ای با خانواده داشته‌اند وضعیت جسمی و روحی ایشان موجب نگرانی خانواده شده است .

جناب آقای شاهرودی و برخی از مسوولان که از احکام صادر شده دفاع می‌کنند، بر استقلال رای قاضی تاکید می‌نمایند . آیا استقلال قاضی معنایش این است که قاضی هر گونه دلش خواست، بی‌توجه به قانون رای بدهد، یا این که باید در برابر رای و نظر مقامات بالاتر و گروه‌های فشار استقلال رای خود را حفظ کند؟ در هر حال هر رایی که قاضی صادر می‌کند باید مستند به قانون مصوب باشد و قاضی شخصاً حق تفسیر قانون را ندارد . دادرسی ویژه قضات نیز برای رسیدگی به همین نوع تخلفات پیش‌بینی شده است .

نهضت آزادی ایران از قوه قضاییه مصرا درخواست می‌کند که در راستای وظایف قانونی خود نسبت به رفع تبعیض و حفظ بی‌طرفی و استقلال قوه قضاییه اقدام نماید.^{۱۰} از جمله با انتقال آقایان مهندس سبحانی، علی‌افشاری، هدی صابر و سعید منتظری به زندان‌های قانونی زیر نظر سازمان زندان‌ها، هر چه سریعتر به وضعیت آنان مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در دادگاه‌های علنی و با حضور وکیل و هیات منصفه رسیدگی شود تا در آستانه انتخابات سال ۸۰ با اجرای حق و عدالت، زمینه آرامش، ثبات و امنیت لازم در جامعه فراهم گردد.

نهضت آزادی ایران تداوم عملکرد کنونی قوه قضاییه را موجب تعمیق شکاف میان ملت و حاکمیت و تشدید بحران مشروعیت ارزیابی می‌کند و پیامدهای آن را تضعیف باورهای دینی و توسعه آسیب‌های اجتماعی و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی می‌نماید.^{۱۱} در پایان توجه مقامات و مسوولان محترم قوه قضاییه را بار دیگر به این آموزه الهی که باید محور سیاست‌های راهبردی قوه قضاییه باشد جلب می‌کند:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برپا دارنده ارزش‌های الهی و الگوهای (عاملین) عدالت باشید، مبدا دشمنی با گروهی شما را به گناه ترک عدالت بکشاند، عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است، از خدا پروا کنید که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است»^{۱۲}

نهضت آزادی ایران

^{۱۰} یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لایجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون (مائده - ۸)